

کازرونی - بنده مخالف

رئیس - بفرمائید

کازرونی - بنده برای این مطلب

دو نفر حکم کافی نمیدانم علاوه بر اینکه مرجع تظلمات قانوناً عدلیه است آنوقت ما بیائیم بطور استثناء قائل شویم باین حکمیت ها آنهم دریک چنین موافقی که مستلزم خسارت عمده است بنده دو نفر حکم را کافی نمیدانم و اگر هم میخواهیم بحکم قائل شویم باید چهار نفر حکم باشد و الا اکثریت دو نفر را نمیدانم چطور می شود

علاوه بر اینکه بنده مجال نیافتم که در ماده سابق عرض خودم را بکنم بنده می بینم یک تنافی مابین این ماده و ماده سابق هست

ماده سابق مستقلاً بدولت حق میدهد که بعد از گذشتن مدت راه را ضبط کند آنجا مسئله را ختم کرده متعلق باین ماده نمیکند

استقلال دارد و این ماده یک چیز دیگری است و راجع باختلاف است و آنوقت ممکن است این ماده را یک طوری توجیه کنند و بگویند این مسئله راجع باختلافاتی است که مربوط بقضیه کردن راه نیست و راجع باختلافات جزئی است یا در خصوص کم زیادی عایدی یا اختلاف راجع بمخارج است و اینها مربوط بماده سابق نمیشود

بنابراین بنده تصور میکنم بواسطه اخطاریت بکنفر مأمور راه از قبضه صاحب امتیاز خارج شود صحیح نیست و اینکه فرمودند نماینده دولت بکنفر هادی نیست

همین دلیل بنده عرض میکنم که باید قانوناً قوه بصاحب امتیاز بدهیم زیرا اخطار کننده بکنفر نماینده دولت است و او در مقابل نماینده دولت قدرت ندارد

وزیر فواید عامه - اولاً حق

حکمت بکسی دادن منافی این نیست که عدلیه مرجع تظلمات عمومی است

اما اینکه فرمودند این عده کافی نیست

بعقیده بنده وقتی که کسی بیک نفر اطمینان پیدا کرد و او را حکم خودش قرارداد

این شخص برای او بهتر از دونه فقر قاضی است و همینطور طرفش پس اساساً دونه حکم برای طرفین کافی است

ولی ضمناً برای اینکه هر یک از این حکم ها ممکن است در قضاوت امر جدوت داشته باشند

لذا مقرر شده است بشخص ثالثی هم که محل اطمینان هر دو طرف باشد مراجعه کند و برای او بهتر است که متمایل شد آن طرف اکثریت داشته و رأیش قاطع خواهد بود

پس این هم محل کلام نیست اما یک مطلب دیگر فرمودند که باید جواب بدهم

فرمودند این ماده باماده سابق متناقض است و حال آنکه اینطور نیست

در هر قانون یک جزای معنی را معلوم میکنند و قانون بی جزا قانون نیست در یک مورد ممکن است جزا را نقض امتیاز نامه قرار دهند و مثلاً بگویند چنانچه در مواد سه و شش و هفت این امتیاز نامه تغلف شده عدم اجرای این مواد اسباب نقض امتیاز نامه میشود آنوقت در آن موقع بطوریکه خودتان فرمودید مأمور توانای دولت بمن که صاحب امتیاز هستم اخطار میکنند که شما فلان ماده را اجرا نکرده اید و از این جهت این امتیاز نامه لغو خواهد بود

در این صورت اگر فرمایش سرکار صحیح بود یعنی حق مراجعه بقضاوت و حکمیت برای صاحب امتیاز باقی نبود که دیگر معنی نداشت یک ماه با مهلت داده شود پس این یک ماه مهلت را برای این صاحب امتیاز داده اند که اگر این اعتراض دولت وارد نیست رد کند و جواب بگوید قضیه از دو حال خارج نیست یا این است که صاحب امتیاز در این مدت موفق خواهد شد که اشکال حاصله را رفع کند

اگر اینطور شد که هیچ والا قضیه مراجعه بحکمیت خواهد شد اگر حکم ها حکم کردند که اعتراض دولت صحیح است و مثلاً ماده سه امتیاز نامه نقض شده دیگر حقی برای کسی باقی نخواهد بود و امتیاز لغو خواهد بود

غرض این است که جزای تغلف از مواد این قانون نقض امتیاز است و این اشکالی ندارد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات

کافی است (بعضی گفتند کافی نیست) رئیس - رأی میگیریم بکفایت

مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده زیادی قیام کردند) رئیس - اکثریت است - شور اول تمام شد

وزیر فواید عامه - باید عرض کنم که یک ماده مهم در این امتیاز نامه اشتباهاً درج نشده و تا شور ثانی نوشته خواهد شد

آن حق باز خریدن این امتیاز است برای دولت زیرا دولت کم کم باید بطرف این مقصود مشی کند که باج راه را برور موقوف کند و اگر بنا بشود این حق باز خرید در امتیاز برای دولت منظور نشود خلاف آن مقصود خواهد بود و چون اشتباهاً این مسئله در این لایحه قید نشده

لهذا خواستم بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم تا در شور ثانی این ماده اضافه خواهد شد

رئیس - ماده الحاقیه رسیده است قرائت میشود و بکمسیون مراجعه خواهد شد

(شرح ذیل قرائت شد) نظر بلزوم تأمین حفظ الصحه عمله و سایر کارگران که برای راه سازی مستخدم خواهند شد ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم

سالیانه مبلغ سه هزار تومان برای تأمین حفظ الصحه عمله و سایر کارگران تخصیص بدهد

رئیس - شور اول تمام شد رأی گرفته میشود بشور دوم آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند) رئیس - تصویب شد

دو فقره پیشنهاد رسیده است راجع یکی از طرف آقای روحی راجع بتغییر اسامی ماهها دیگری از طرف آقای یاسائی راجع بقانون سبج احوال که جزو دستور شوند رأی میگیریم به پیشنهاد آقای روحی راجع به تغیر اسامی ماهها آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(جمعی قیام کردند) رئیس - تصویب شد

چند دقیقه تنفس است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - عده کافی نیست جلسه را ختم میکنیم جلسه آتیه شب سه شنبه دستور را هم عرض میکنم اگر بنا شد رأی بگیریم در جلسه آتیه

یک نفر از نمایندگان - فردا شب رئیس - شنبه و یکشنبه سه شنبه و پنجشنبه را معین کرده بودید

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - دستور هم تغیر اسامی ماهها وقانون سبج احوال (مجلس شش ساعت ارشب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک منشی - علی اقبال الملک منشی - معظم السلطان

جلسه ۱۴۸

صورت مشروح مجلس

لیله سه شنبه یازدهم

فروردین ۱۳۰۴

مطابق ششم شهر

رمضان المبارک ۱۳۴۳

صورت مجلس لیله یکشنبه چهارم رمضان را آقای حاج میرزا اسدالله خان قرائت نمودند

رئیس - آقای آفاسید یعقوب (اجازه)

آفاسید یعقوب - قبل از دستور عرضی داشتم

رئیس - آقای قائم مقام الملک

قائم مقام الملک - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دولت آبادی راجع به صورت مجلس فرمایشی دارید

حاج میرزا یحیی دولت آبادی - خبر قبلاً از دستور عرض داشتم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده هم قبیل از دستور عرضی دارم

رئیس - آقای معظم السلطان (اجازه)

معظم السلطان - بنده راجع به فیهت خود قبلاً استخاره کرده بودم

رئیس - آقای ضیاء الواعظین

رضیاء الواعظین - قبل از دستور رئیس - آقای افشار (اجازه)

آقای میرزا رضا خان افشار - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای حاج عبدالوهاب

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم قبل از دستور عرضی دارم

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست؟

(گفتند خیر)

رئیس - پیشنهاد شده داخل دستور شویم

آفاسید یعقوب - بنده عرض لازمی داشتم

رئیس - آقایانی که تصویب میکنند وارد دستور شویم قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند) رئیس - اکثریت است

دستور امشب یکی طرح قانونی راجع به تبدیل اسامی ماهها است و دیگری لایحه

سجل احوال ولی دوقره پیشهاد شده است
یکی اینکه لایحه الغای قانون پوست بره
مقدم باشد.

آقای تدین
(اجازه)

قدین - بنده هیچ فلسفه نمی بینم که
طرح قانونی القاه قانون پوست بره
جز دستورش دوچه رسد باینکه مقدم باشد
بنده عقیده دارم بهمان ترتیب که
دستور را اعلان فرمودند آقایان موافقت
کنند اول طرح قانونی راجع به اسامی ماهها
بعدهم قانون سجل احوال مطرح شود.

رئیس - رای میگیریم.
حاج میرزا عبدالوهاب - خوبست
يك كسى كه موافق است توضیح بدهد.
رئیس - آقای امین الشریعه.
(اجازه)

امین الشریعه - آقای امین الشریعه
فرمودند فلسفه نمی بینم که این قانون
امشب مطرح شود.
فلسفه صحیحی دارد بجهت این که باید
تکلیف پوست بره نظر بموقعی که آن دارد
وموقع بهار است معلوم شود یا باید مجلس
شورای ملی رای بدهد.

آن قانونی که برای منع صدور پوست
بره وضع شده است لغو است که مردم
تکلیف خود را بدانند یا باید تصویب کنند
تا مردم دنبال این تجارت بلند نشوند بنده
معتقدم که تفسیر که تفسیر الفاظ و لغات يك
همچو امر مهمی نیست که وقت ما را فوت
کند ما هر وقت میتوانیم الفاظ و لغات را
تعبیر بدهم.

اما چیزی بکه موقعش مگذرد و ممکن است
در دنبال آن ضرری بر مردم وارد بیاید بعقیده
من باید مقدم باشد بخصوص برای این قبیل
امور که ممکن است يك پولهای هم از خارجه
بداخله بیارند و بعقیده من اگر مدارق اقتصادیات
يك قدمی برداریم بهتر از تغییر لغات و الفاظ
است.

رئیس - رای میگیریم آقایانی که
تصویب میکنند طرح قانونی راجع به القاه
قانون منع صدور پوست بره جز دستور
امشب و در درجه اول واقع شود قیام
فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد.
شاهزاده محمدولی میرزا پیشنهاد
کرده اند لایحه سجل احوال مقدم باشد.
آقای محمدولی میرزا
(اجازه)

محمدولی میرزا - این پیشنهاد
که بنده کردم برای این است که یکی
دوماده از لایحه قانون سجل احوال که رجعت
کرده بکمسیون جزا و بمجلس برگشته
ونظر باینکه قانون نظام اجباری شور و دوش
عنتقرب مطرح خواهد شد و نهایت لزوم و
اهمیت را دارد که قبل از این که داخل شور

دوم قانون نظام اجباری بشویم بقبه قانون
سجل احوال بگذرد و مذاکرات مختصری
هم در اطرافش خواهد شد.

لذا بهترین است قبلا این موضوع
مطرح شود بعد داخل موضوعات دیگر
بشویم.

والا تمام موضوعات را بطور ناقص
بگذاریم و مسئله دیگر را پیش کشیم هیچ
کاری صورت نخواهیم داد.
شیروانی - بنده مخالفم
رئیس - بفرمایند.

شیروانی - بنده نمیدانم آقایان چرا
اصرا را در تضییع وقت مجلس دارند نمکنا است
در عوض همین فرمایشاتی که حضرت والا
کردند.
ما اینجا رای میدادیم که يك ماده
که نصف کاره کرده بودیم آنوقت میرفتیم
سر قانون سجل احوال.

بنا بر این بنده با این قبیل پیشنهاد
ها مخالفم.
رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای
محمد ولی میرزا را تصویب میکنند قیام
فرمایند.

(عده قلبی برخاستند)
رئیس - تصویب نشد.
طرح قانونی راجع بتبیین اسامی
ماهها از ماده اول مطرح است.
(بشرح آتی قرائت شد)

ماده اول مجلس شورای ملی تصویب
می نماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی
سالانه مملکت بترتیب ذیل معمول گردد و
دولت مکلف است که در تمام دوائر دولتی
اجراء نماید:

الف - مبداء تاریخ:
سال هجرت حضرت خاتم النبیین محمد
ابن عبدالله صلوات الله علیه از مکه معظمه
بدمینه طیه.

ب - آغاز سال:
روز اول بهار
ج - سال:
کما كان شمسی حقیقی
د - اسامی وعده ایام ماهها

۱- فروردین ۳۱ روز
۲- اردیبهشت ۳۱ روز
۳- خرداد ۳۱ روز
۴- تیر ۳۱ روز
۵- مرداد ۳۱ روز
۶- شهریور ۳۱ روز
۷- مهر ۳۰ روز
۸- آبان ۳۰ روز
۹- آذر ۳۰ روز
۱۰- دی ۳۰ روز
۱۱- بهمن ۳۰ روز
۱۲- اسفند ۳۰ روز

تصیره - در غیر سنین کبیسه اسفند ۲۹
روز خواهد بود.
رئیس - آقای سلطان العلماء پیشنهاد

کرده اند این طرح از دستور امشب خارج
شود. (خطاب آقای سلطان العلماء)
بفرمایند.

سلطان العلماء - رای بگیریم.
رئیس - آقایان بیکه تصویب میکنند
این طرح از دستور امشب خارج شود قیام
فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد.
آقای حائری زاده
(اجازه)

حائری زاده - بعضی فکرها هست
که بجای خودش خوبست مثلا اگر يك
منجمی این فکر را نبرد بعد خوبست و عیبی
ندارد فرضاً بنده از لفظ حمل منتر شده
باشم خواسته باشم اسمش را بگذارم چون
یا اسمش را فروردین بگذارم این چندان
اهمیت ندارد.

يكی از منجمین طهران آقای سید جلال
الدین طهرانی دوازده
ماه برای خودش پیدا کرده و روز های
اورا هم معلوم کرده

بنده دیدم اسامی آن با اصول مناسبست
بیشتر است تا این اسامی که حضرت والا پیدا
کردند
مثلا برج حمل را اسمش را گذاشته
چون آنرا مناسبست هم بیشتر است تا فروردین
که آقای ارباب کیخسرو ترجمه کرده اند
بهم مانندی روانان که مساوات ارواح باشد
این ترجمه فروردین است.

از حیث مناسبت با این برج که برج
حمل باشد من چمن آراه را که آقای سید جلال
الدین اختیار کرده بهتر میدانم هم چنین
اردیبهشت که از طرف آقای ارباب کیخسرو
ترجمه شد بنظم کامل و تقدس بهترین این
تقدیمی است که قبل از اینکه این قانون
از مجلس بگذرد داده اند در مطبوعه چاپ
کردند.

شیروانی - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - بنده برای اینکه وقت
مجلس تضییع نشود سه چهار کلمه بیشتر
عرض نمیکنم
يك اشخاصی بتاریخ و ملیت مملکت
اهمیت میدهند نمی شود این را يك گناهی
فرض کرد

اگر آقای ارباب کیخسرو يك لغاتی را
حفظ کرده اند
گناه برای ایشان نیست مسائل را هم
روی اشخاص نباید حل کرد
يك موضوعی که در مجلس میآید باید
دید آن موضوع چه چیز است ممکن است
بنده به آقای حائری زاده کم ارادت باشم
ولی پروژه های خوبی بمجلس آوردند و
وبنده هم بایشان موافقت کردم.

کما اینکه پروژه هایی که دیگران
آوردند ایشان موافقت کردند و راجع بصرف
وقت هم این نقض غرض است
زیرا يك ماده است و خوانده شده و
بفرمایش خودشان هم تغییر الفاظ است و
بالاخره چیزی که حتمی است این است که
ضرری بجائی نمیرساند جز صرف وقت و اگر
ضرری بجائی نمیرساند در این باب خوبست
حرف بزنم و نه در موقعی که میخواهند رای
طور تقسیم می کنند سی روز سی روز تقسیم

می کند
یا سی و يك روز سی و يك روز
تناسبی که بنظرش میرسد
این دیگر چیزی نیست که ما به بینیم
آیا فروردین بهتر است یا حمل یا چمن آراه
وبنده اصولا بامشغول کردن وقت مجلس باین
قبیل مذاکرات مخالف بودم و نمیخواستم
در این موضوع حرف بزنم
ولی دیدم آقایانی که پیشنهاد کرده اند
خیال کرد اند کار مهمی است و مملکت را
از بدبختی بیک بدبختی میکشند
در صورتی که تبدیلی لغات و الفاظ مملکت
را بجائی نمیکشاند
ما باید در امور اقتصادی و کارهای
اساسی صرف وقت کنیم
امتیاز برب السوس از کمیسیون گذشته
وما ابدأ از او یاد نمی کنم که این هلف های
بیابان را لااقل يك کسی بیاید عصاره اش
را بگیرد و يك منافعی برای مملکت پیدا
کند.
تغییر الفاظ چیزی نیست که فایده برای
مملکت داشته باشد
بعلاوه موقع این رای قبل از سنه ۱۳۰۴
بود و در این سال که شدیم منجمین آن اسامی
ترکی و عربی و فارسی هر چه بود در تقویم
ها چاپ کردند
این راهم آقایان لازم میدانستند آقای
ارباب داده اند چاپ کرده اند و دیگر لازم
نیست ما وقتمان را در مجلس صرف تغییر الفاظ
کنیم.
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - بنده برای اینکه وقت
مجلس تضییع نشود سه چهار کلمه بیشتر
عرض نمیکنم
يك اشخاصی بتاریخ و ملیت مملکت
اهمیت میدهند نمی شود این را يك گناهی
فرض کرد

این رای بدیهیم و فوراً داخل کارهای
دیگر که بنظر ایشان رسیده بشویم و اما اینکه
فرمودند در تقویمها ترکی و عربی و غیره
هست.

اینها در آن تقویم ایرانی هم هست
و پهلوئی تاریخ ایرانی تاریخ سایر ملل را
هم ثبت کرده ایم
یعنی هم در قدیمی ها هم در این تقویم
های جدید

(که ملاحظه فرموده ایم هم این و ترجمه
ها را که مسخره کردید) هست و هم آن خرچنگ
و گاو و پوز بیک هست و بنده عقیده ام این
است که بیش از این وقت مجلس را تلف
نکنیم.
(جمعی گفتند - مذاکرات کافی
است)

شیر و عمار دامغانی - کافی
نیست.
رئیس - آقایان بیکه مذاکرات کافی
میدانند قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
چند فقره پیشنهاد است قرائت میشود

ورای میگیریم
ضیاءالواعظین مخبر کمیسیون
معارف - در ماده اول يك اصلاحی است
که در موقع تقدیم راپرت اشتباه شده آقایان
تصحیح بفرمایند
در قسمت دوازدهم که نوشته شده است
اسفند سی روز تصویب کمیسیون بیست و نه
روز بود و تصیره که نوشته شده در غیر سنین
کبیسه اسفند بیست و نه روز خواهد بود باید
نوشته شود در سنین کبیسه اسفند نیز سی روز
خواهد بود

رئیس - نسبت باین طرح تقاضای
فوریت شده و تصویب هم شده يك شور بیشتر
ندارد.
(پیشنهاد آقای آقا شیخ محمد علی طهرانی
بشرح ذیل قرائت شد)
این بنده پیشنهاد می نماید که مواد به
طریق ذیل اصلاح شود

ماده اول - مجلس شورای ملی تصویب
مینماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی
شمسی سالانه مملکت بطریق ذیل معمول
گردد
دولت مکلف است که در تمام دوائر
دولتی اجراء نماید

الف - مبداء تاریخ شمسی سال هجرت
حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلی اله
علیه وآله وسلم از مکه معظمه بدمینه طیه
ب - آغاز سال روز اول بهار
ج - سال کما كان شمسی حقیقی
د - اسامی عده ماهها

اول فروردین دوم اردیبهشت سوم خرداد
چهارم تیر پنجم مرداد
یک نفر از نمایندگان - امرداد
رئیس - پیشنهاد کننده اینطور نوشته

همینطور قرائت میشود
(بقیه پیشنهاد بشرح آتی
خوانده شد)
ششم - شهریور
هفتم - مهر
هشتم - آبان
نهم - آذر
دهم - دی
یازدهم - بهمن
دوازدهم - اسفند

ه - ایام ماهها مطابق ایام بروج
تبصره هر گاه تعوییل شمس بهر جری
ابعد از ظهر باشد روز بعد از آن ماه شمسی
خواهد بود و الا همان روز و اول ماه شمسی
محسوب است
رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی
در این پیشنهادی که از طرف کمیسیون
معارف شده بنده اعتراض داشتم
لهذا این پیشنهاد را کردم اولامعین
نکرده که سال سال شمسی است یا مطلق
است
بنده پیشنهاد کردم سال شمسی باشد
تا باین ماهها را آقایان اعضاء کمیسیون
محترم معارف آمده اند سی و يك روز کرده
اند و سی روز و بعضی از ماهها که ماه آخر
باشد
بیست و نه روز یاسی روز و این اعتبار
بنظر بنده اساس علمی ندارد
بواسطه خاطر اینکه اگر ما بخواهیم
اوضاع قدیمه ملی خود را زنده کنیم
مجبوریم برویم سرخمس متریه و روی
کبیسه آن خمس متریه که آبا ما معین
کرده بودند
برای این بود که ملت ایران پنجروز
از برای جامعه مجانی خدمت میکردند
الآن هم در بین زرد شتیه ما معمول است
در آن پنجروز خدمت می کنند و اجرت
نمی گیرند
آنها این معمول را دارند ما از آن
سمت حرکت نکرده ایم که آثار قومیت
قدیمه از زمان جمشید را ابقا کنیم حالا
آمده ایم يك کیفیت مخصوصی را وضع
کرده ایم
من دلم میخواهد مادر را سی روز قرار
بدهم سی روز و سی و يك روز بدخواه
نیست
اینکار يك اساس علمی دارد و از
روی آن باید جلوگیری کرد و اگر مجلس شورای
ملی بالاتفاق رای بدهد نه اینجا بلکه
اگر در تمام مجالس دنیا رای بدهند که
زویای مثلث مساوی با سه
قائم است هر گز زویای مثلث با سه
قائم مطابق نمیکند همیشه و همه وقت در
هر گز کره از کره و زویای مثلث مساوی با دو قائمه
خندد

که بگویند مجلس ملی برخلاف اصول
علمی يك ماده وضع کرد اول
اول تابستان مطابق اول ماه چهارم ملی ما
خواهیم بود - اسفند
اعتدال خریفی اول ماه هفتم ملی مملکتی
ما خواهد بود

هیچ اعتراضی هم ندارد و در تمام
نقاط دنیا هم تصدیق کرده اند حالا آقایان
میفرمانند حمل نباشد
باشید یا نباشد بما مربوط نیست اینها
يك اصطلاحات علمی است از عرب نگرفته
ایم و این الفاظ فارسی است شما میفرمایند
ایام ماه مطابق واقع و نفس الامر با بروج
مطابق میشود و کبیسه هم پیدا نمی کند که
زحمتی برای کسی باشد
مثلا هر چهار سال چهار سال اجزاء
ادارات بیایند نگاه کنند به بینند آیا چهار
سال گذشته است
که آن ماه آخر راسی روز حساب
کنند و اسباب زحمتشان باشد يك بیچاره
يك حکمی در پنجسال قبل گرفته و امروز
پر سنل يك وزارتخانه میخواهد مراجعه کند
به بیند آیا شخص پنجسال استخدام شده و
قانون استخدام شامل حال او هست یا نیست
چطور مطابق کند
با ایام غیر مضبوطی که مقرون با حقیقت
نیست
از این جهت بنده پیشنهاد کردم که ایام
ماهها مطابق ایام بروج باشد و هیچ ضرری
هم وارد نمیآید
رئیس - آقای تقی زاده
(اجازه)
تقی زاده - آقایان چند ملاحظه در
این موضوع فرمودند و بیشتر ملاحظات بر
میکرد باین اصل که آقایان تصور میکنند
مقصود این است که ماهها را هم باید شمسی
حقیقی قرارداد

یعنی حمل سی و يك روز است همین
طور نور سی و يكروز است وقتی بجزوا
رسیدیم قطعا سی و دو روز خواهد شد
شماره ای بدید سی و يك روز است
نمیشود
در آفاق ماهیه شمالی نقطه انقلاب
صیفی که اول تابستان و منتهی الیه بپندی رورو
منتهی الیه که شب در آن وقت است شامدر
آنوقت میخواهید بگویند ماهی و دوروز
نیست سی و يك روز است
بهین تقویمی هم که آقای ارباب
کیخسرو برای آقایان طبع و نشر کرده
اند مراجعه کنیم خواهیم دید اول تابستان
مطابق با این تقویم نیست
ما باید در قرن بیستم حقایق را در
مجلس روی کار بیاوریم
که ما نمائند از این جهت بنده پیش-
نهاد کردم که ایام ماههای اجدادی ما که
فروردین تا آخر باشد
مطابق حقیقت باشد یعنی ایام حمل
مطابق با ایام فروردین ایام اردی بهشت
مطابق بانور همینطور تا آخر وقتی اینکار
را کردیم
بهیچ وجه من الرجوه کسی بما نمی
خندد

مجلس شورای ملی تصویب
مینماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی
شمسی سالانه مملکت بطریق ذیل معمول
گردد
دولت مکلف است که در تمام دوائر
دولتی اجراء نماید

الف - مبداء تاریخ شمسی سال هجرت
حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلی اله
علیه وآله وسلم از مکه معظمه بدمینه طیه
ب - آغاز سال روز اول بهار
ج - سال کما كان شمسی حقیقی
د - اسامی عده ماهها

اول فروردین دوم اردیبهشت سوم خرداد
چهارم تیر پنجم مرداد
یک نفر از نمایندگان - امرداد
رئیس - پیشنهاد کننده اینطور نوشته

همینطور قرائت میشود
(بقیه پیشنهاد بشرح آتی
خوانده شد)
ششم - شهریور
هفتم - مهر
هشتم - آبان
نهم - آذر
دهم - دی
یازدهم - بهمن
دوازدهم - اسفند

ه - ایام ماهها مطابق ایام بروج
تبصره هر گاه تعوییل شمس بهر جری
ابعد از ظهر باشد روز بعد از آن ماه شمسی
خواهد بود و الا همان روز و اول ماه شمسی
محسوب است
رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی
در این پیشنهادی که از طرف کمیسیون
معارف شده بنده اعتراض داشتم
لهذا این پیشنهاد را کردم اولامعین
نکرده که سال سال شمسی است یا مطلق
است
بنده پیشنهاد کردم سال شمسی باشد
تا باین ماهها را آقایان اعضاء کمیسیون
محترم معارف آمده اند سی و يك روز کرده
اند و سی روز و بعضی از ماهها که ماه آخر
باشد
بیست و نه روز یاسی روز و این اعتبار
بنظر بنده اساس علمی ندارد
بواسطه خاطر اینکه اگر ما بخواهیم
اوضاع قدیمه ملی خود را زنده کنیم
مجبوریم برویم سرخمس متریه و روی
کبیسه آن خمس متریه که آبا ما معین
کرده بودند
برای این بود که ملت ایران پنجروز
از برای جامعه مجانی خدمت میکردند
الآن هم در بین زرد شتیه ما معمول است
در آن پنجروز خدمت می کنند و اجرت
نمی گیرند
آنها این معمول را دارند ما از آن
سمت حرکت نکرده ایم که آثار قومیت
قدیمه از زمان جمشید را ابقا کنیم حالا
آمده ایم يك کیفیت مخصوصی را وضع
کرده ایم
من دلم میخواهد مادر را سی روز قرار
بدهم سی روز و سی و يك روز بدخواه
نیست
اینکار يك اساس علمی دارد و از
روی آن باید جلوگیری کرد و اگر مجلس شورای
ملی بالاتفاق رای بدهد نه اینجا بلکه
اگر در تمام مجالس دنیا رای بدهند که
زویای مثلث مساوی با سه
قائم است هر گز زویای مثلث با سه
قائم مطابق نمیکند همیشه و همه وقت در
هر گز کره از کره و زویای مثلث مساوی با دو قائمه
خندد

مجلس شورای ملی تصویب
مینماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی
شمسی سالانه مملکت بطریق ذیل معمول
گردد
دولت مکلف است که در تمام دوائر
دولتی اجراء نماید

الف - مبداء تاریخ شمسی سال هجرت
حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلی اله
علیه وآله وسلم از مکه معظمه بدمینه طیه
ب - آغاز سال روز اول بهار
ج - سال کما كان شمسی حقیقی
د - اسامی عده ماهها

اول فروردین دوم اردیبهشت سوم خرداد
چهارم تیر پنجم مرداد
یک نفر از نمایندگان - امرداد
رئیس - پیشنهاد کننده اینطور نوشته

این رای بدیهیم و فوراً داخل کارهای
دیگر که بنظر ایشان رسیده بشویم و اما اینکه
فرمودند در تقویمها ترکی و عربی و غیره
هست.

اینها در آن تقویم ایرانی هم هست
و پهلوئی تاریخ ایرانی تاریخ سایر ملل را
هم ثبت کرده ایم
یعنی هم در قدیمی ها هم در این تقویم
های جدید

(که ملاحظه فرموده ایم هم این و ترجمه
ها را که مسخره کردید) هست و هم آن خرچنگ
و گاو و پوز بیک هست و بنده عقیده ام این
است که بیش از این وقت مجلس را تلف
نکنیم.
(جمعی گفتند - مذاکرات کافی
است)

شیر و عمار دامغانی - کافی
نیست.
رئیس - آقایان بیکه مذاکرات کافی
میدانند قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
چند فقره پیشنهاد است قرائت میشود

ورای میگیریم
ضیاءالواعظین مخبر کمیسیون
معارف - در ماده اول يك اصلاحی است
که در موقع تقدیم راپرت اشتباه شده آقایان
تصحیح بفرمایند
در قسمت دوازدهم که نوشته شده است
اسفند سی روز تصویب کمیسیون بیست و نه
روز بود و تصیره که نوشته شده در غیر سنین
کبیسه اسفند بیست و نه روز خواهد بود باید
نوشته شود در سنین کبیسه اسفند نیز سی روز
خواهد بود

رئیس - نسبت باین طرح تقاضای
فوریت شده و تصویب هم شده يك شور بیشتر
ندارد.
(پیشنهاد آقای آقا شیخ محمد علی طهرانی
بشرح ذیل قرائت شد)
این بنده پیشنهاد می نماید که مواد به
طریق ذیل اصلاح شود

ماده اول - مجلس شورای ملی تصویب
مینماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی
شمسی سالانه مملکت بطریق ذیل معمول
گردد
دولت مکلف است که در تمام دوائر
دولتی اجراء نماید

الف - مبداء تاریخ شمسی سال هجرت
حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلی اله
علیه وآله وسلم از مکه معظمه بدمینه طیه
ب - آغاز سال روز اول بهار
ج - سال کما كان شمسی حقیقی
د - اسامی عده ماهها

اول فروردین دوم اردیبهشت سوم خرداد
چهارم تیر پنجم مرداد
یک نفر از نمایندگان - امرداد
رئیس - پیشنهاد کننده اینطور نوشته

همینطور قرائت میشود
(بقیه پیشنهاد بشرح آتی
خوانده شد)
ششم - شهریور
هفتم - مهر
هشتم - آبان
نهم - آذر
دهم - دی
یازدهم - بهمن
دوازدهم - اسفند

ه - ایام ماهها مطابق ایام بروج
تبصره هر گاه تعوییل شمس بهر جری
ابعد از ظهر باشد روز بعد از آن ماه شمسی
خواهد بود و الا همان روز و اول ماه شمسی
محسوب است
رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی
در این پیشنهادی که از طرف کمیسیون
معارف شده بنده اعتراض داشتم
لهذا این پیشنهاد را کردم اولامعین
نکرده که سال سال شمسی است یا مطلق
است
بنده پیشنهاد کردم سال شمسی باشد
تا باین ماهها را آقایان اعضاء کمیسیون
محترم معارف آمده اند سی و يك روز کرده
اند و سی روز و بعضی از ماهها که ماه آخر
باشد
بیست و نه روز یاسی روز و این اعتبار
بنظر بنده اساس علمی ندارد
بواسطه خاطر اینکه اگر ما بخواهیم
اوضاع قدیمه ملی خود را زنده کنیم
مجبوریم برویم سرخمس متریه و روی
کبیسه آن خمس متریه که آبا ما معین
کرده بودند
برای این بود که ملت ایران پنجروز
از برای جامعه مجانی خدمت میکردند
الآن هم در بین زرد شتیه ما معمول است
در آن پنجروز خدمت می کنند و اجرت
نمی گیرند
آنها این معمول را دارند ما از آن
سمت حرکت نکرده ایم که آثار قومیت
قدیمه از زمان جمشید را ابقا کنیم حالا
آمده ایم يك کیفیت مخصوصی را وضع
کرده ایم
من دلم میخواهد مادر را سی روز قرار
بدهم سی روز و سی و يك روز بدخواه
نیست
اینکار يك اساس علمی دارد و از
روی آن باید جلوگیری کرد و اگر مجلس شورای
ملی بالاتفاق رای بدهد نه اینجا بلکه
اگر در تمام مجالس دنیا رای بدهند که
زویای مثلث مساوی با سه
قائم است هر گز زویای مثلث با سه
قائم مطابق نمیکند همیشه و همه وقت در
هر گز کره از کره و زویای مثلث مساوی با دو قائمه
خندد

که بگویند مجلس ملی برخلاف اصول
علمی يك ماده وضع کرد اول
اول تابستان مطابق اول ماه چهارم ملی ما
خواهیم بود - اسفند
اعتدال خریفی اول ماه هفتم ملی مملکتی
ما خواهد بود

هیچ اعتراضی هم ندارد و در تمام
نقاط دنیا هم تصدیق کرده اند حالا آقایان
میفرمانند حمل نباشد
باشید یا نباشد بما مربوط نیست اینها
يك اصطلاحات علمی است از عرب نگرفته
ایم و این الفاظ فارسی است شما میفرمایند
ایام ماه مطابق واقع و نفس الامر با بروج
مطابق میشود و کبیسه هم پیدا نمی کند که
زحمتی برای کسی باشد
مثلا هر چهار سال چهار سال اجزاء
ادارات بیایند نگاه کنند به بینند آیا چهار
سال گذشته است
که آن ماه آخر راسی روز حساب
کنند و اسباب زحمتشان باشد يك بیچاره
يك حکمی در پنجسال قبل گرفته و امروز
پر سنل يك وزارتخانه میخواهد مراجعه کند
به بیند آیا شخص پنجسال استخدام شده و
قانون استخدام شامل حال او هست یا نیست
چطور مطابق کند
با ایام غیر مضبوطی که مقرون با حقیقت
نیست
از این جهت بنده پیشنهاد کردم که ایام
ماهها مطابق ایام بروج باشد و هیچ ضرری
هم وارد نمیآید
رئیس - آقای تقی زاده
(اجازه)
تقی زاده - آقایان چند ملاحظه در
این موضوع فرمودند و بیشتر ملاحظات بر
میکرد باین اصل که آقایان تصور میکنند
مقصود این است که ماهها را هم باید شمسی
حقیقی قرارداد

یعنی حمل سی و يك روز است همین
طور نور سی و يكروز است وقتی بجزوا
رسیدیم قطعا سی و دو روز خواهد شد
شماره ای بدید سی و يك روز است
نمیشود
در آفاق ماهیه شمالی نقطه انقلاب
صیفی که اول تابستان و منتهی الیه بپندی رورو
منتهی الیه که شب در آن وقت است شامدر
آنوقت میخواهید بگویند ماهی و دوروز
نیست سی و يك روز است
بهین تقویمی هم که آقای ارباب
کیخسرو برای آقایان طبع و نشر کرده
اند مراجعه کنیم خواهیم دید اول تابستان
مطابق با این تقویم نیست
ما باید در قرن بیستم حقایق را در
مجلس روی کار بیاوریم
که ما نمائند از این جهت بنده پیش-
نهاد کردم که ایام ماههای اجدادی ما که
فروردین تا آخر باشد
مطابق حقیقت باشد یعنی ایام حمل
مطابق با ایام فروردین ایام اردی بهشت
مطابق بانور همینطور تا آخر وقتی اینکار
را کردیم
بهیچ وجه من الرجوه کسی بما نمی
خندد

مجلس شورای ملی تصویب
مینماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی
شمسی سالانه مملکت بطریق ذیل معمول
گردد
دولت مکلف است که در تمام دوائر
دولتی اجراء نماید

الف - مبداء تاریخ شمسی سال هجرت
حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلی اله
علیه وآله وسلم از مکه معظمه بدمینه طیه
ب - آغاز سال روز اول بهار
ج - سال کما كان شمسی حقیقی
د - اسامی عده ماهها

اول فروردین دوم اردیبهشت سوم خرداد
چهارم تیر پنجم مرداد
یک نفر از نمایندگان - امرداد
رئیس - پیشنهاد کننده اینطور نوشته

همینطور قرائت میشود
(بقیه پیشنهاد بشرح آتی
خوانده شد)
ششم - شهریور
هفتم - مهر
هشتم - آبان
نهم - آذر
دهم - دی
یازدهم - بهمن
دوازدهم - اسفند

ه - ایام ماهها مطابق ایام بروج
تبصره هر گاه تعوییل شمس بهر جری
ابعد از ظهر باشد روز بعد از آن ماه شمسی
خواهد بود و الا همان روز و اول ماه شمسی
محسوب است
رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی
در این پیشنهادی که از طرف کمیسیون
معارف شده بنده اعتراض داشتم
لهذا این پیشنهاد را کردم اولامعین
نکرده که سال سال شمسی است یا مطلق
است
بنده پیشنهاد کردم سال شمسی باشد
تا باین ماهها را آقایان اعضاء کمیسیون
محترم معارف آمده اند سی و يك روز کرده
اند و سی روز و بعضی از ماهها که ماه آخر
باشد
بیست و نه روز یاسی روز و این اعتبار
بنظر بنده اساس علمی ندارد
بواسطه خاطر اینکه اگر ما بخواهیم
اوضاع قدیمه ملی خود را زنده کنیم
مجبوریم برویم سرخمس متریه و روی
کبیسه آن خمس متریه که آبا ما معین
کرده بودند
برای این بود که ملت ایران پنجروز
از برای جامعه مجانی خدمت میکردند
الآن هم در بین زرد شتیه ما معمول است
در آن پنجروز خدمت می کنند و اجرت
نمی گیرند
آنها این معمول را دارند ما از آن
سمت حرکت نکرده ایم که آثار قومیت
قدیمه از زمان جمشید را ابقا کنیم حالا
آمده ایم يك کیفیت مخصوصی را وضع
کرده ایم
من دلم میخواهد مادر را سی روز قرار
بدهم سی روز و سی و يك روز بدخواه
نیست
اینکار يك اساس علمی دارد و از
روی آن باید جلوگیری کرد و اگر مجلس شورای
ملی بالاتفاق رای بدهد نه اینجا بلکه
اگر در تمام مجالس دنیا رای بدهند که
زویای مثلث مساوی با سه
قائم است هر گز زویای مثلث با سه
قائم مطابق نمیکند همیشه و همه وقت در
هر گز کره از کره و زویای مثلث مساوی با دو قائمه
خندد

مجلس شورای ملی تصویب
مینماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی
شمسی سالانه مملکت بطریق ذیل معمول
گردد
دولت مکلف است که در تمام دوائر
دولتی اجراء نماید

الف - مبداء تاریخ شمسی سال هجرت
حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلی اله
علیه وآله وسلم از مکه معظمه بدمینه طیه
ب - آغاز سال روز اول بهار
ج - سال کما كان شمسی حقیقی
د - اسامی عده ماهها

اول فروردین دوم اردیبهشت سوم خرداد
چهارم تیر پنجم مرداد
یک نفر از نمایندگان - امرداد
رئیس - پیشنهاد کننده اینطور نوشته

این رای بدیهیم و فوراً داخل کارهای
دیگر که بنظر ایشان رسیده بشویم و اما اینکه
فرمودند در تقویمها ترکی و عربی و غیره
هست.

اینها در آن تقویم ایرانی هم هست
و پهلوئی تاریخ ایرانی تاریخ سایر ملل را
هم ثبت کرده ایم
یعنی هم در قدیمی ها هم در این تقویم
های جدید

(که ملاحظه فرموده ایم هم این و ترجمه
ها را که مسخره کردید) هست و هم آن خرچنگ
و گاو و پوز بیک هست و بنده عقیده ام این
است که بیش از این وقت مجلس را تلف
نکنیم.
(جمعی گفتند - مذاکرات کافی
است)

شیر و عمار دامغانی - کافی
نیست.
رئیس - آقایان بیکه مذاکرات کافی
میدانند قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
چند فقره پیشنهاد است قرائت میشود

ورای میگیریم
ضیاءالواعظین مخبر کمیسیون
معارف - در ماده اول يك اصلاحی است
که در موقع تقدیم راپرت اشتباه شده آقایان
تصحیح بفرمایند
در قسمت دوازدهم که نوشته شده است
اسفند سی روز تصویب کمیسیون بیست و نه
روز بود و تصیره که نوشته شده در غیر سنین
کبیسه اسفند بیست و نه روز خواهد بود باید
نوشته شود در سنین کبیسه اسفند نیز سی روز
خواهد بود

رئیس - نسبت باین طرح تقاضای
فوریت شده و تصویب هم شده يك شور بیشتر
ندارد.
(پیشنهاد آقای آقا شیخ محمد علی طهرانی
بشرح ذیل قرائت شد)
این بنده پیشنهاد می نماید که مواد به
طریق ذیل اصلاح شود

ماده اول - مجلس شورای ملی تصویب
مینماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی
شمسی سالانه مملکت بطریق ذیل معمول
گردد
دولت مکلف است که در تمام دوائر
دولتی اجراء نماید

الف - مبداء تاریخ شمسی سال هجرت
حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلی اله
علیه وآله وسلم از مکه معظمه بدمینه طیه
ب - آغاز سال روز اول بهار
ج - سال کما كان شمسی حقیقی
د - اسامی عده ماهها

(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
 فروردین سی و یک روز آقایانی که موافقت قیام فرمایند.
 (جمع برخاستند)
رئیس - تصویب شد
 اردیبهشت سی و یکروز آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند.
 (جمع برخاستند)
رئیس - تصویب شد
 خرداد سی و یکروز تصویب کنندگان قیام نمایند.
 (اکثر برخاستند)
رئیس - تصویب شد -
 تیر سی و یکروز موافقین قیام فرمایند.
 (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
 امرداد سی و یکروز آقایان موافقین قیام فرمایند.
 (جمع قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
 شهریور سی و یکروز آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - مهر سی و یکروز آقایانی که موافقت قیام فرمایند
 (اغلب برخاستند)
رئیس - تصویب شد
 آبان سی روز آقایان موافقین قیام نمایند.
 (جمع برخاستند)
رئیس - تصویب شد
 آذر سی روز - تصویب کنندگان قیام فرمایند.
 (اکثر برخاستند)
رئیس - تصویب شد
 دی سی روز آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.
 (جمع کثیری برخاستند)
رئیس - تصویب شد بهمن سی روز - تصویب کنندگان قیام نمایند.
 (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - اسفند بیست و نه روز آقایانی که موافقت قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد رای گرفته می شود به ماده اول آقایانی موافقین قیام فرمایند
 (جمع برخاستند)
رئیس - تصویب شد
 رای گرفته می شود به ماده اول آقایانی موافقین قیام نمودند
رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت می شود
 (شرح ذیل قرائت شد)
 ماده دوم - ترتیب سال شماری خطا و

اینور که در تقویمهای سابق معمول بوده از تاریخ تصویب این قانون منسوخ خواهد بود.
رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
 شریعتمدار دامغانی - هر ایش بنده در ماده اول نا گفته ماند و بنده در آن ماده هم عرایضی داشتم
 در این ماده می نویسد :
 ترتیب سال شماری خطا و اینور که در تقویم های سابق معمول بوده از این بعد ملغی خواهد بود
 اول بنده نمی فهمم چه مناسبت دارد که مجلس دخالت در امور منجمین می کند و این طور رای می دهد
 این ترتیب یکی از امور فنی و از عملیات منجمین است و یکی از عملیات فنی منجم این است که در تقویمش بنویسد تاریخ جلالی یا تاریخ شمسی
 ولی دخالت مجلس شورای ملی در امور فنی منجمین و رای دادن مجلس چیز خیلی عجیبی است
 مثل این که مجلس در تمام کتب علمی دخالت کند و رای بدهد که فلان کتاب را در فلان فن فلانطور بنویسند
 حالا اگر مقصود از این ماده این است آن تاریخی که از تر کها یعنی خطا و اینور باقی مانده در آیه تکرار نشود
 یعنی سیچقان نیل و نوشقان نیل و تیل اینها از بین برود
 اگر مقصود اینها است البته صحیح است
 به اصطلاح موش و بقر و پلنگ و خرگوش شمار از بین رفتن اینها خوب است زیرا اینها از موهومات تر کستانیها بوده که در این مملکت وارد کردند و از یاد گاریهای آنها است و آنها خیلی از این موهومات داشته اند
 مثل این که ستاره سکر بلدوز هم از مخترعات آنها بوده است و بین موهومات معروف است و می گویند گاهی از طرف مشرق درمی آید گاهی از طرف مغرب گاهی بگل است
 گاهی بهوا است و می گویند شش جهه رادریکروز سیر می کند
 این هم از رصدهائی است که هیچوقت معمول نبوده و در گذشته و حالیه چنین ستاره دیده نشده و تر کستانیها این را وارد این مملکت کرده بودند
 اگر مقصود از بین بردن این قسمت ها است پس باید رای بدهیم که دیگر ستاره سکر بلدوز حقیقتی ندارد
 آیا هیچ تناسبی دارد که مجلس رای بدهد ستاره سکر بلدوز را بنویسند
 اگر مقصود این است که ترتیب سال شماری خطا و اینور منسوخ شود یعنی حمل و ثور و جوزا از بین برود این اشتباه است و

اینها مال خطا و اینور نیست
 زیرا این ترتیب ابتداء مطابق نظام بطلمیوس که یونانی بود وضع شد و اخیراً در آخرین رصدی که هلاکو خان داشت بتوسط خواجه نصیر طوسی وضع شد و از مغتربات تر کستانیها نیست و بقول قدما حرکت شمسی را بدور زمین حساب کردند که چقدر طول می کشد بعد آنرا بدوازده قسمت مساوی تقسیم کردند و هر قسمتی مطابق دورنمای توپتی بود و مطابق دورنمای آنها اسمی برایش وضع کردند و گفتند حمل و ثور و جوزا
 و این را هم که آقای تقی زاده فرمودند در آنوقت قطعه ای از مدار زمین که مطابق بوده است با صورت دورنمای حمل حالا با حوت مطابق شده خیر این طور نیست برای این که بر فرض که حالا این صورت از آن مدار خارج شده باشد این طور نیست که به حوت رسیده باشد
 زیرا دوره حرکت ثوابت بیست و پنج هزار سال و خورد های طول می کشد تا یک دوره طی بکند
 و از زمان هلاکو خان و خواجه نصیر طوسی تا حال بیست و پنج هزار سال نشده است که ما می گوئیم حمل بجوت افتاده است
 دوره سیر ثوابت بیست و پنج هزار سال که طول کشید دوباره بهمان صورت بر می گردد و با آن قطعه از مدار زمین که اسمش حمل است مطابق می شود
یکنفر از نمایندگان - اشتباه می فرمایند
شریعتمدار دامغانی - خیر اشتباه نکردم و منسوخ شدن اینها بعقیده من فلسفه ندارد زیرا حمل و ثور و جوزا هم منتهای وهم لغزش از این پیش نهاد بهتر است
 اما لغزش بهتر است بدلیل این که حمل و ثور و جوزا مطابق همان مبنای علمی وضع شده است و لو این که صورت هم از مدار خارج شده باشد در هر صورت اشاره بآن معنای علمی است و ششونده هم اگر اهل اصطلاح باشد می فهمد
 و این که گاهی بعضی از آقایان حمل را ترجمه می کنند بیره و ثور را ترجمه می کنند بگاوه
 این قسمت را تصور می کنم روی اصل مامور وضع شده باشد
 زیرا معانی حمل و ثور و جوزا اگر مطابق کنیم با الفاظی که در این جا نوشته شده و معانی بعضی از آنها آقای حائری زاده فرمودند می بینیم خیلی مناسب تر است برای این که حمل در اول وضع مناسبی بآن مدار داشت ولی مراد یعنی مادر زده چه تناسبی دارد و آخر نام یعنی آتش ماه چه مناسبی دارد
 مساوات ارواح چه مناسبتی دارد در

صورتی که مناسبت علمی در حمل و ثور و جوزا ملحوظ است و در این الفاظ باستانی که می خواهیم وضع کنیم ملحوظ نیست
 در صورتی که در همه جای دنیا بر خلاف عقیده آقای شریعتمدار تاریخ رسمی مملکت یکی از توپن مهمه است که فقط حق مجلس است
 بنده عرض می کنم آن سال شماری اگر حمل و ثور است نباید منسوخ شود
یکنفر از نمایندگان - خیر اینطور نیست
شریعتمدار دامغانی - و اگر مقصود غیر از این است و مقصود اسمی ترکی است که بنده عرضی ندارم
 در هر صورت بنده این را هم عرض می کنم که حمل و ثور و جوزا منتهای هم بهتر است برای این که بحقیقت خیلی نزدیکتر است و دارای یک مناسبت های علمی هم هست و بنایش هم منظم و دارای هیچ کبیسه هم نخواهد بود
 یعنی سال سیصد و شصت و پنج روز و پنج ساعت و چهل و نه دقیقه و چند ثانیه می شود
 بدلیل این که می بینیم همه تاریخهای دنیا بالاخره بر می گردد که خودش را تطبیق کند با همان تاریخ میلادی که مبداء تقریباً از اول جدی می شود و مدت آن را سیصد و شصت و پنج روز و ربع روز گرفته می کردند و از آن کسرش هم صرف نظر می کردند و در هر چهار سال یک کبیسه می کردند و در هر صد و بیست و هشت سال یک روز اضافه می کردند
 بعد آمدند و بحکم پاپ ده روز جلو رفتند که تدارک گذشته بشود چرا این را کردند برای این که بر گردانند و تطبیق کنند با بروج و همه تاریخهای دنیا هم به همان ترتیب بروج یعنی سیصد و شصت و پنج روز و چند ساعت و چند دقیقه است و بعقیده من نباید منسوخ شود
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - بنده خیلی متأسفم که اوقات مجلس را صرف یک مسائلی می کنیم که جای این جانیست
 فرمایشات آقای دامغانی را ممکن است بنده با سایر آقایان موافقین در خارج این اطاق جواب بدهیم این جا جای مباحث نیست
یاسائی - خواهش می کنم دو کله اش را جواب بدهید
شیروانی - خیر جواب نمی دهم و همین طور که بعضی از آقایان فرمودند می خواهیم کلمات خرچنگ و حوت و این ترتیب را عوض کنیم
یاسائی - این هر دو است منطبق نیست
شیروانی - اگر بنده ساعت سازی ندانم عیب بنده نیست و اگر یک و کبل هم نداند که در تمام جاهای دنیا تاریخشان را

مجلس وضع می کند هیچ عیبی برای آن و کبل نیست
 در صورتی که در همه جای دنیا بر خلاف عقیده آقای شریعتمدار تاریخ رسمی مملکت یکی از توپن مهمه است که فقط حق مجلس است
 ولی چون در قسمت فنی اش هر قدر حرف زده شود غیر قابل تغییر است آن جایش در مجلس نیست بلکه آن را در کبسیون معارف مطرح می کنند و رایرت آنرا به مجلس می آورند که از تصویب بگذرانند ولی مجلس حالا تبدیل به مدرسه شده و تا سلف بنده برای این است و الا تا سلف دیگری ندارم
 آقای شریعتمدار در اینجا یک سلسله نجوم فرمودند که بکلی خارج از موضوع این ماده بود و این سلسله مطالب علمی را هم که در اینجا فرمودند یک روز دیگر هم احوال قیام متاخرین را فرمودند و ندانم گوش آدمی و از این مطالب شاید سایرین هم اطلاع داشته باشند و چندین مرتبه هم آقایان موافقین اظهار کردند که این مطالب مربوط به این ماده نیست فقط آنهایی که این ماده را پیشنهاد کردند بنده هم یکی از امضا کنندگان بودم مقصود نسخ سیچقان نیل و تنگوز نیل و سایر اسمی ترکی بود که برای سال شماری مرسوم شده بود و بهیچوجه نظر دیگری نداشتم
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی قرائت می شود
 (شرح ذیل قرائت شد)
 ماده دوم - تاریخ سال شماری خطا و اینور که در تقویم های سابق معمول بوده از تاریخ تصویب این قانون منسوخ خواهد بود
رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی - چون این پیشنهاد عین ماده است پس می گیرم
رئیس - رای می گیرم به ماده دوم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد در کلیات مخالفی هست یا خیر؟
 (اظهاری نشد)
 رای می گیرم باین طرح مشتمل بر دو ماده است آقایانی که تصویب کنند قیام فرمایند
رئیس - تصویب شد چند دقیقه تنفس داده می شود
 (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً برپاست آقای سهام السلطان

نایب رئیس تشکیل گردید)
نایب رئیس - رایرت کبسیون داخله راجع بقانون سبج احوال مطرح است موادی که بکبسیون رجوع شده بود کبسیون رایرت آنها داده است اول ماده دوم است که قرائت میشود
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده دوم - کسانی که قبل از تأسیس شعب سبج احوال در هر محل متولد شده اند باید سبج احوال خود را مستقیماً بوسیله رئیس خانواده در اوراق اظهار نامه (نسخه تین) نوشته تسلیم مأمور سبج احوال نمایند و نه بک اشخاصی که باید اظهار نامه بدهند هر گاه از انجام تکلیف خود تخلف ورزند مسئول خواهند بود
 تبصره - اشخاصی که در تحت ولایت یا قیمومت شرعی هستند ولی باقیم خاص آنها و اگر قیم ندارند سرپرست آنها باید اوراق اظهار نامه را نوشته تسلیم مأمور سبج احوال نمایند
نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده خواستم از آقای مخبر سؤال کنم این جمله که نوشته شده است مسئول خواهد بود آیا نظیر احکام فلان اندازه است که بعام ابلاغ می شود که مسئول خواهی بود یا خیر؟ این مسئول خواهد بود یعنی چه؟
 در اینجا باید نوشته شود مسئول فلان ماده خواهد بود
 عنوان مسئول خواهد بود که نباید در قانون نوشته شود بلکه باید عنوان مجازات متخلف از آن در اینجا تعیین شود
آقای میرزا شهاب مخبر - اگر نماینده معترم به ماده بیست و چهار مراجعه فرمایند ملاحظه خواهند فرمود که در آنجا تصریح شده است
 اشخاصی که از مواد فلان و ملان تخلف کنند به مجازات هائی که در ماده ۲۴ نوشته شده خواهند رسید
 پس مسئول است یعنی مشمول مجازات هائی که در آن ماده تصریح شده است خواهد شد
نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی - گمان می کنم چیزی که در سابق اشکال داشت و این ماده بواسطه آن مراجعه به کبسیون شد فقط تعیین رئیس خانواده بود
 یعنی رئیس خانواده را کی تعیین می کنند و آیا یک فامیل یا نصیب یا هزار نفری مجبور هستند یک نفر را برپاست خانواده معین کنند یا نه؟
 در این صورت باید معنای رئیس خانواده را درست معین کرد که بعد از این اسباب مسئولیت و زحمت مشخص فراهم نشود

مخبر - بنده گمان می کردم بعد از مطالعه این رایرت آقایان این اندازه حمایت شان را از رئیس خانواده بردارند ولی حالا برای اینکه آقایان مطمئن شوند که رئیس خانواده زیاد مسئول نیست در این ماده نوشته شده است
 مستقیماً بوسیله رئیس خانواده و اگر آقایان به ماده چهار مراجعه فرمایند ملاحظه خواهند فرمود که رئیس خانواده یعنی کسی که اولاد دارد و اشخاصی که در تحت کفالت او هستند او را برای ریاست خانواده معین کرده اند
 حالا ماده چهارم را میخوانم
 « هر شخصی باید برای خود اسم مخصوصی انتخاب کند
 زوج و کلیه اولاد و احفاد ذکور آن شخص و همچنین کلیه اولاد و احفاد انات اومادام که شوهر اختیار نکرده اند بآن اسم مخصوص که نام خانوادگی است موسوم خواهند بود
 بنابراین هر کس دارای اسمی خواهد بود مر کب از نام خانوادگی و نام شخص مثلاً «ایرج کاوس» بر فرض اینکه ایرج نام شخص و کاوس نام خانوادگی باشد اشخاصی که از نسل واحد هستند می توانند برای خود اسم خانوادگی واحد انتخاب کنند
 و برعکس اولاد و احفاد یک رئیس خانواد که در تحت کفالت می توانند می توانند اگر بخواهند اسم خانوادگی علی حدیث برای خود انتخاب نمایند
 پس معلوم میشود که رئیس خانواده یکس می گویند که یک عده اولاد و احفاد در تحت کفالت او باشند
نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده راجع بتعین رئیس خانواده یک پیشنهادی تقدیم کرده بودم و خواستم بینم آن پیشنهاد در کبسیون مطرح شده است یا نه؟
 بنده پیشنهاد کرده بودم که رئیس خانواده عبارت از پدر و جد است و اگر این قسمت تصریح شود دیگر این عبارت را باین طول و تفصیلی که درین ماده نوشته شده است لازم ندارد
 یعنی بنویسند مقصود از رئیس خانواده پدر است و در صورتی که پدر نباشد جد است هما طوری که در قوانین مذهبی مامم هست
 بنابراین خواستم ببینیم علت اینکه کبسیون پیشنهاد بنده را مورد توجه قرار نداده چه بوده است
 مخبر - اگر چه سایر آقایان موافقین هم می توانند جواب آقای آقا سید یعقوب را بدهند لیکن چون این سؤال مستقیماً از کبسیون بود بنده جواب عرض می کنم

اینکه فرمودند رئیس خانواده پدر یا جد باشد
 بنده عرض می کنم که ممکنست در یک خانواده یک نفر سمت بزرگتری و ریاست داشته باشد
 در صورتیکه نه پدر و نه جد کسی باشد بلکه یک اولاد بزرگتر است که کفالت یک خانواده بعهد اوست و نسبت بسایرین هم سمت بزرگتری دارد
 ولی پدر و جد کسی هم نیست پس نمی شود در رئیس خانواده را انحصار داد پدر یا جد
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست
نایب رئیس - پیشنهادی از طرف آقای یاسائی رسیده است قرائت می شود
 (بشرح آتی خوانده شد)
 بنده پیشنهاد می کنم کلمه آن محل قبل از نمایند اضافه شود
نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - درین ماده نوشته شده است کسانی که قبل از تأسیس شعب سبج احوال در هر محل متولد شده اند باید سبج احوال خود را مستقیماً بوسیله رئیس خانواده تسلیم مأمور سبج احوال نمایند و اینست که تسلیم سبج احوال آن محل نمایند
 والا بطور مطلق باشد که تسلیم شعب سبج احوال نمایند معنی ندارد و اگر لفظ آن محل اضافه شود بهتر است
مخبر - این هایت توضیح واضعاً نیست که گمان نمی کنم هیچ محتاج باشد کسانی که در یک محلی متولد میشوند بایستی ورقه سبج احوالشان را تسلیم مأمور سبج احوال کنند
 معلومست که از دامغان نباید بروند به اردبیل تسلیم کنند یا از کرمان نباید بخراسان ببرند تسلیم کنند
 در همانجائی که دائره سبج احوال است در آنجا تسلیم می کنند
نایب رئیس - رای می گیرم پیشنهاد آقای یاسائی
 آقایان موافقین قیام فرمایند
 (عده قلبی قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب نشد
 رای می گیرم به ماده دوم آقایان موافقین قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد ماده چهارم
 (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده چهارم - هر شخصی باید برای خود اسم مخصوصی انتخاب کند
 زوج و کلیه اولاد و احفاد ذکور آن شخص و همچنین کلیه اولاد و احفاد انات اومادام که شوهر اختیار نکرده اند بآن اسم مخصوص که نام خانوادگی است موسوم خواهند بود
 بنابراین هر کس دارای اسمی خواهد بود مر کب از نام خانوادگی و نام شخص مثلاً «ایرج کاوس» بر فرض اینکه ایرج نام شخص و کاوس نام خانوادگی باشد اشخاصی که از نسل واحد هستند می توانند برای خود اسم خانوادگی واحد انتخاب کنند
 و برعکس اولاد و احفاد یک رئیس خانواد که در تحت کفالت می توانند می توانند اگر بخواهند اسم خانوادگی علی حدیث برای خود انتخاب نمایند
 پس معلوم میشود که رئیس خانواده یکس می گویند که یک عده اولاد و احفاد در تحت کفالت او باشند
نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده راجع بتعین رئیس خانواده یک پیشنهادی تقدیم کرده بودم و خواستم بینم آن پیشنهاد در کبسیون مطرح شده است یا نه؟
 بنده پیشنهاد کرده بودم که رئیس خانواده عبارت از پدر و جد است و اگر این قسمت تصریح شود دیگر این عبارت را باین طول و تفصیلی که درین ماده نوشته شده است لازم ندارد
 یعنی بنویسند مقصود از رئیس خانواده پدر است و در صورتی که پدر نباشد جد است هما طوری که در قوانین مذهبی مامم هست
 بنابراین خواستم ببینیم علت اینکه کبسیون پیشنهاد بنده را مورد توجه قرار نداده چه بوده است
 مخبر - اگر چه سایر آقایان موافقین هم می توانند جواب آقای آقا سید یعقوب را بدهند لیکن چون این سؤال مستقیماً از کبسیون بود بنده جواب عرض می کنم

بود بنا بر این هر کس دارای اسمی خواهد بود مرکب از نام خانوادگی و نام شخصی مثلا (ایرج کاسوس) بر فرض این که ایرج نام شخصی و کاسوس نام خانوادگی باشد شخصی که از نسل واحد هستند می توانند برای خود اسم خانوادگی واحد انتخاب کنند و برعکس اولاد یا احفاد یک رئیس خانواده که در تحت کفایت هستند می توانند اگر بخواهند نام خانوادگی عالی حده برای خود انتخاب نمایند تبصره: اسمی خانوادگی پس از ثبت در دفتر سجل احوال هر محل مخصوص اشخاصی است که بنام آنها ثبت شده است و دیگری حق اختیار آن اسم را در آن محل ندارد

نایب رئیس - آقای باسائی (اجازه)
باسائی بنده در سابق هم عرض کرده بودم که باید اشخاص را منع کنیم از انتخاب یک اسمی که مخصوص مشاهیر بزرگ است و اگر هم انتخاب می کنند با یک قیدی باشدو آن قیدی آن است.

مثلا اگر کسی بخواهد اسم فامیلی خودش را بگذارد کاسوس منتسب بکاسوس بکند و گویند کاسوسی یا اگر کسی اسم خودش را بگذارد سعدی بنده مخالفم و اینطور می شود که یک کسی اسم خودش را بگذارد محمد و اسم فامیلش را هم مصطفی بگذارد و با او گفته می شود محمد مصطفی. این بعقیده بنده صحیح نیست یا اسم هلیست اسم فامیلش را هم بگذارد مرتضی و گویند هلی مرتضی.

این غلطست و بایستی اسمی حکما و انبیا و عرفا را حفظ کرد ولی اگر کسی می خواهد خودش را منتسب کند و سوسه بپاشد نسبت این ضرر ندارد و بنده موافقم والا بطور مطلق مخالفم و مجدداً هم عرض می کنم که هر کس می خواهد نام شرف و حکما و عرفا فلاسفه را انتخاب کند برای فامیل خود بایستی بپایه نسبت باشد دیگر بسته است بنظر آقایان

نایب رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - بنده این ایراد آقای باسائی را نمی دانم از چه نقطه نظر است این که می فرمائید اسمی اشخاص بزرگ را باید حفظ کرد و ایراد می فرمائید عرض می کنم الان هم همین ایرادات را که فرمودند در تمام مملکت موجود است مثل علی باکبر حسینی.

باسائی - اینها اسمت شیروانی - چه فرق می کند یک وقت شخص بواسطه اسم معرفی می شود و یک وقت بواسطه نام فامیلی تشخص می شود و دولت هم می خواهد اشخاص را در تحت یک نام فامیلی در بیارد چون در تمام دنیا بجای اسم شخصی اسم فامیلی گفته می شود اگر

این ایرادی که می فرمائید در تحت یک نظریه است که بنده ملتفت نمی شوم اسمی اشخاص بزرگ را هم که می فرمائید اشخاص بزرگ از اسدشان بزرگ نشده اند خودشان بزرگ بوده اند سدی اگر هزار نفر دو هزار نفر هم در دنیا اسم خود را سعدی بگذارند جای او را نمی گیرند بنده اگر اسم خود را سعدی بگذارم ممکنست خود را مفتخر کنم و سوسه ها ولی سعدی را کوچک نمی کنم ایرادات آقای باسائی وارد نباشد

نایب رئیس - پیش نهاد آقای دامغانی (شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیش نهاد می کنم تبصره دوم راجع بپاده چهارم اشخاصی که اسم خانوادگی خود را از اسمی یا القاب نوابغ ملی یا مملکتی اتخاذ می کنند بپای نسبت باشد.

نایب رئیس - بفرمائید
شریعتمدار دامغانی - گمان می کنم توضیح این مسأله را آقای باسائی بقدر کفایت دادند و این هم که آقای شیروانی فرمودند انسان مفتخر می شود که اسم اشخاص بزرگ را اختیار کند.

بنده عرض می کنم افتخار اینست که ما خودمان را منتسب ببزرگان کنیم و الا بطور بگذارد محمد و اسم فامیلش را هم مصطفی بگذارد و با او گفته می شود محمد مصطفی. این بعقیده بنده صحیح نیست یا اسم هلیست اسم فامیلش را هم بگذارد مرتضی و گویند هلی مرتضی.

این غلطست و بایستی اسمی حکما و انبیا و عرفا را حفظ کرد ولی اگر کسی می خواهد خودش را منتسب کند و سوسه بپاشد نسبت این ضرر ندارد و بنده موافقم والا بطور مطلق مخالفم و مجدداً هم عرض می کنم که هر کس می خواهد نام شرف و حکما و عرفا فلاسفه را انتخاب کند برای فامیل خود بایستی بپایه نسبت باشد دیگر بسته است بنظر آقایان

نایب رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - بنده این ایراد آقای باسائی را نمی دانم از چه نقطه نظر است این که می فرمائید اسمی اشخاص بزرگ را باید حفظ کرد و ایراد می فرمائید عرض می کنم الان هم همین ایرادات را که فرمودند در تمام مملکت موجود است مثل علی باکبر حسینی.

سعدی خودش باه نسبت دارد آن - وقت اگر باه خودش را حذف کنیم و پناه نسبت بیاوریم بازمی شود سعدی با فردوسی. اینها را چکار کنیم و از این گذشته اینها یک چیزهایی نیست که بر خذف قوانین شرعی و عرفی باشد و بنا برین این قید لزومی ندارد.

نایب رئیس - رای می گیریم به

پیشنهاد آقای دامغانی
کسانی که موافقت قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد.
رای می گیریم بپاده چهارم آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند)
نایب رئیس - تصویب شد. ماده نهم. (شرح ذیل خوانده شد)
ماده نه - از تاریخ تأسیس سجل احوال در هر محل پندرو در بیابان او مادر در صورت مورد تولد و شوهر در مورد ازدواج و طلاق باید منتهی در ظرف دو روز از تاریخ وقوع تولد یا ازدواج یا طلاق را با شهادت دو نفر بامور سجل احوال اطلاع بدهند.

نایب رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)
دکتر آقایان - بنده این ماده را ناقص میدانم و هم بنظر مطلق نوشته با شهادت دو نفر بامور سجل احوال اطلاع بدهد کفایت نمیکند.
آقایان نمایندگان محترم میدانند که بعد از آن که کسی با شهادت دو نفر یک تولدی یا یک ازدواجی یا یک طلاق را ثبت سجل احوال رساند این یک مساوات قطعی و کمال است. قوه قانونی را دارد در صورتی که این یک امر فوق العاده است.

بنابر این آن شهودی که شهادت میدهند.

بایستی بامور سجل احوال آنها را شخصاً بشناسد و در موقعی که ثبت می کند بنویسد شهود فلانی و فلانکس بودند و شخصاً پیش من موقت بودند.

همانطور که در تمام ممالک دنیا وقتی که یک نفر می آید ورقه هویت بگیرد بامور سجل احوال قید می کند با شهادت این شهود معرفی شدند.

ماده یازده با یک جمله که در طبع این ورقه حذف شده وقتی که خوانده شد بنده عرض می کنم و آقایان می نویسند بنده عرض می کنم البته نظریه آقایان را تأمین خواهد کرد.

ولی بامور سجل احوال نمیتواند و نفر شاهد را توثیق کند یا بگوید اینها عادل هستند و بعلاوه در ماده یازدهم گفته شده است که دو نفر شهادت بدهند و عقده نامه یا طلاقنامه هم ضبط شود و باید اینطور نوشته شود

سوادای از عقده نامه یا طلاقنامه را که مطابق سواد با اصل از طرف مجری صیغه تصدیق شده باشد بامور سجل احوال گرفته ضبط می نماید.

درین صورت آن احتمالاتی که آقایانی می دهند مرتفع خواهد شد.

نایب رئیس - آقای آقا سید

پیش نهاد آقای دامغانی
کسانی که موافقت قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد.
رای می گیریم بپاده چهارم آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند)
نایب رئیس - تصویب شد. ماده نهم. (شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیش نهاد می کنم ماده نه با بنظر این اصلاح شود:
ماده نه - از این تاریخ پندر در صورت موجود بودن و مادر در صورت فوت پندر مکتفست ولادت را منتهی در ظرف دو روز بامور سجل احوال محل اقامت خود با شهادت دو نفر از دو واج کننده و طلاق دهند مکتفست منتهی در ظرف ده روز بامور سجل احوال محل اقامت خود اطلاع دهند تبصره عیناً باقی باشد

نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)
سلطان العلماء (در محل نطق) - بنده برای اینکه عرض کنم
چون آنجا - (اشاره بصندلی خود) چندان فهمیده نشود آدمم اینجا نه اینکه بخواهم زیاد حرف بزنم.

چهار چیز است که بامور سجل احوال باید اطلاع داد.

یکی ولادتست یکی فوئت ، یکی طلاق است و یکی ازدواج غالباً دیده می شود که سرها بایندرها اصلا در کجا نیستند

پندر در مرگ است بامور سجل احوال در آنجا یک ازدواجی میکند یا طلاق می دهد.

رئیس خانواده اصلا مطلع نمی شود یا اینکه ممکنست که یک موافقت داشته باشد که نتواند اطلاع بدهد و یا اینکه با هم مخالفتی داشته باشند که آن شخص اطلاع بیدر یار رئیس خانواده ندهد

و اینجا یک زحمتی ایجاد میشود که ما بخواهیم رئیس خانواده را مکلف کنیم که حتماً باید طلاق یا ازدواج را اطلاع بدهد.

و عقیده بنده اینست که خود آن طلاق دهند با ازدواج کننده مستقیماً بامور سجل احوال اطلاع بدهند دیگر لازم نیست رئیس خانواده موقع فوت اطلاع بدهد و در مسأله ولادت هم پدر کفایت اطلاع بدهد اگر باشد و اگر نبود مادر اطلاع می دهد.

چون در تبصره نوشته شده است که قید شرعی در صورتیکه پدر و مادر یا رئیس خانواده

خانواده نباشد قیام اطلاع میدهد او را هم تأمین میکند

بعقیده بنده اینقدر تکلیف روی رئیس خانواده آوردن در صورتی که ممکنست رئیس خانواده هیچ اصلا اطلاع پیدا نکنند مورد ندارد.

مخبر - معلوم میشود آقای سلطان العلماء رابرت جدید را بخوانده اند در این خانواده نیست.
شوهر وقتی که زن گرفت اطلاع میدهد زنش هم که زانید اطلاع میدهد در موقع مردن هم یک تکلیفی فسال دارد که بجای خود محفوظ است

یک تکلیفی هم کسان میت دارند که خود آنها اطلاع میدهند و بالاخره هیچیک از این معظوراتی که فرمودید وارد نیست تا اینکه ما بتوانیم ماده که پیش بینی فرموده بودید قبول کنیم

سلطان العلماء - پس مسترد می کنم معاون وزارت داخله - یک اصلاحی برای اینکه هویت شهود ثابت شده باشد عیبی ندارد بشود بنا بر این بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه (دونفر) نوشته شود که هویت آنها از طرف نظمی یا کدخدای محل یا حکومت تصدیق شده باشد
خوب است این عبارت را اضافه فرمایند که جلوگیری از بعضی اختلافات بشود.

مخبر - آقایان اگر میخواهند اصلاح فرمایند این عبارتی را که اصلاح شده است بنده میخوانم اصلاح فرمایند. بشهادت دونفر که هویت آنها از طرف نظمی یا حکومت یا کدخدای محل تصدیق شده باشد (بعضی گفتند: مخالفیم)
نایب رئیس - چون مذاکرات در این ماده کافی شده است آقایان اگر مخالفی دارند باید پیشنهاد کنید. پیشنهادی از آقای تهرانی رسیده است قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)
این بنده پیشنهاد مینمایم که ازدواج تبدیل بشکاح شود.

آفایشیخ محمد علی طهرانی - اینها با هم دیگر متناسب نیستند عرض از این که در سجل احوال ازدواج می نویسند اولاد است و در مسئله مته بعضیها قاعدتاً - الولد للفراس را رد میکنند و اینجا ازدواج بطریق مطلق صحت ندارد.

ازدواج ازدواج نکاحی است نه مته و ازدواج بطریق مطلق اسباب زحمت می شود.

مخبر - طرز جدیدی آقای طهرانی پیشنهاد فرمودند ممکن است یک کسی زن عقدی داشته باشد ولی اولاد نداشته باشد یا مته داشته باشد و اولاد داشته باشد علی ای حال لفظ ازدواج شامل هر دو میشود و ازدواج بهتر است

نایب رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای تهرانی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای وکیل الملک (شرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم ماده بترتیبی که طبع و توزیع شده مطرح و رای گرفته شود

وکیل الملک - این اصلاحی که آقای معاون فرمودند یک اشکالی دارد چون می فرمایند حکومت یا نظمی تصدیق او را کرده باشند اولاد ورقه سجل احوال هویت شخص را ثابت میکنند و هر جا که دفتر سجل احوال باز شد و اوراق را گرفته بان ترتیبی که قانون پیش بینی کرده همان هویت شخص است بعلاوه در دهات فرض کنید یک نفر از کجا جا کهم را پیدا کند از کجا رئیس نظمی را کند و این ایراد را که بنده عرض میکنم برای این است که تصور میکنم تولید زحمتی بشود و بعقیده بنده همان ترتیب سابق آسانتر و بهتر است

معاون وزارت داخله - این که فرمودند ورقه هویت دارند نباید مقصودشان شهود بود ممکن است اول اجرای قانون سجل احوال باشد و هنوز شاید ورقه هویت نگرفته باشد

و ثانیاً چون امر سجل احوال و هویت خیلی مهم و مؤثر است در تمام اجتماعی اگر یک دقتی بشود به نظر بنده زائد نیست بلکه احتیاط این است که این دقت بشود

نایب رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای وکیل الملک که نسبت بپاده طبع شده رای گرفته شود آقایان موافقت قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای د کتر آقایان (شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم که بعد از لفظ (باشهادت دونفر) افزوده بشود (که در نزد مامور سجل احوال معروف باشند

د کتر آقایان - اینجا یک سوء تفاهمی شده. ورقه هویت همانطوریکه آقای فرمودند تنها دلیل بر معرفت و معرفی نیست ورقه هویت که درش نوشته شده است ملاحظه فرمایند و در مسئله مته بعضیها قاعدتاً - الولد للفراس را رد میکنند و اینجا ازدواج بطریق مطلق صحت ندارد.

ازدواج ازدواج نکاحی است نه مته و ازدواج بطریق مطلق اسباب زحمت می شود.

مخبر - طرز جدیدی آقای طهرانی پیشنهاد فرمودند ممکن است یک کسی زن عقدی داشته باشد ولی اولاد نداشته باشد یا مته داشته باشد و اولاد داشته باشد علی ای حال لفظ ازدواج شامل هر دو میشود و ازدواج بهتر است

سجل احوال این امر را اداره کنند او مسئول است شهودی را که پیش او معرفی میکنند اگر خودش میشناسد فيها و اگر نمیشناسد باید تمام ترتیبات قانونی را فراهم کند تا بالاخره بتواند قید کند که این دونفر پیش من اعتراف کردند و من افزاورد تصدیق می کنم و اینها را شخصاً میشناسم

معاون وزارت داخله - اینکه گفتند مامور سجل احوال خودش همه جا مراقب این مطلب باشد و تصدیق کند تصور میکنم این نکته را در نظر نگرفتند که مادر همه جا مامور سجل احوال مخصوص نداریم کار سجل احوال رجوع می شود بنظمیه ها و حکومت و در اغلب جا هاهم که مرکز بلوکات قصبه است در قصبات یک نایب الحکومه دارد که خودش تنها است و اجزائی ندارد که یک نفر از آنها مامور سجل احوال کند و همه مردم را بشناسند بنا بر این تصور میکنم بعقیده بنده که قید کنیم حکومت محل یا نظمی محل یا کدخدای خود اینها مامور سجل احوالند دیگر لازم نیست قید کنیم یا تصدیق مامور سجل احوال

نایب رئیس - آقای روحی (اجازه)
روحی - بنده با این پیشنهاد مخالفم اگر موقع است عرض کنم

نایب رئیس - بفرمائید
روحی - پیشنهاد ایشان برای مردم اسباب زحمت و اشکال می شود بجهت این که من از کجا بروم دونفر پیدا کنم که آن مامور آنها را بشناسد من الان در یک ده وارد شده ام و غریب هستم چطور دونفر را پیدا کنم که شهادت بدهند و بعلاوه سجل احوال است و بنده همه اینها را برای مردم عسر و حرج میدانم و تمام میکنم آقا هم پیشنهاد خودشان را مسترد فرمایند

وزیر فوئده عامه - بنده اجازه میخواهم چند کلمه در این باب عرض کنم چون میبینم نسبت پیشنهاد آقای منصور الملک که پیشنهاد خوبی است آقایان چندان توجه نمی کنند و آقای روحی میزان مبالغه را بجائی میرسانند که میفرمایند تازه وارد شدم و نمیدانم شاهد از کجا بیاورم این قضیه یا از نقطه نظر ازدواج است یا تولد یا طلاق و آنگاه وارد ده شده اند محتاج بهیچیک از آنها نیستند و در همین حال پیشنهاد آقای د کتر آقایان هم عملی شدنش مشکل است زیرا مامور سجل احوال مکلف نیست شناسائی بهال تمام مردم داشته باشد ممکن است یک اشخاصی در آن محل باشند که مامور آنها را شناسد و در مقابل مجبور است وظیفه خود را هم اجرا کند

پس بگانه راه این است که شهادت دو نفر شاهد را قبول کند و در این حال هم نباید فراموش کرد که قانون سجل احوال بقدری مهم است که ممکن است بالاخره با دادن شهادت ناحق خیلی اثرات مهم پیدا کند

مثلاً نسبت باوث و دارائی و ثبت کردن اسمی اولاد اشخاص لذا شرط کردن اینکه هویت دونفر شاهد را نظمی یا حاکم یا کدخدای محل تصدیق کند این بعقیده بنده یکی از شرایط حتمی است که نباید موکول بنظم نامه کرد بلکه باید در خود قانون تصریح کرد برای این که از خیلی مشکلاتی که ممکن است در آتیه پیش بیاید جلوگیری می شود بعضی از آقایان می فرمایند اگر ما این شرایط را نسبت به دونفرشان ملحوظ کنیم اسباب زحمت مردم خواهد شد

درست است راست است ولی باید قانون طوری وضع شود که هر آدم ناشناسی نتواند شهادت دروغ بدهد

وکیل باید ایجاد راههای ناهمی بکند همانطور که آقایان این اشکالات را در نظر میاورند باید در نظر داشته باشند که چه مشکلاتی خیلی شدیدتری بواسطه شهادت ناحق دو نفریکه هویت آنها معلوم نشده باشد ممکن است پیش بیاید.

نایب رئیس - عده برای رای کافی نیست پیشنهاد ختم جلسه هم شده است یک پیشنهادی هم راجع بجلسات شده ولی چون عده کافی نیست البته نمیتوان رای گرفت آقای تدمین (اجازه)
تدمین - بنده راجع بتعیین جلسه آتیه عرض میکنم که شب پنجشنبه را نشود جلسه قرارداد چون شب سیزده است و بنا بر این اگر آقایان موافق باشند ممکن است موکول کنیم شب یکشنبه

جمعی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - جلسه آتیه شب یکشنبه دستور انتخاب هیئت رئیس (مجلس تقریباً شش ساعت از شب گذشته ختم شد)
نایب رئیس مجلس شورای ملی
سهام السلطان
رئیس مجلس شورای ملی
مؤتمن الملک
منشی - اقبال الملک
منشی - معظم السلطان
جلسه صد و چهل و نهم
صورت مجلس لیله یکشنبه یازدهم
رمضان هزار و سیصد و
چهل سه مطابق شانزدهم
فروردین ماه هزار و
سیصد و چهار
مجلس چهار ساعت از شب گذشته بریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید (صورت مجلس لیله سه شنبه یازدهم فروردین را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند)
نایب رئیس - آقای رهنما (اجازه)